

رابطه عوامل اجتماعی - فرهنگی و باورپذیری مردم سالاری

نورالدین اله دادی*، مسعود سعادت مهر*، ابراهیم میرزایی***

طرح مسئله: مردم سالاری امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های معرف توسعه در عصر جدید به شمار می‌آید. از این رو گرایش به سمت دموکراتیک شدن فرهنگ یک جامعه گامی اساسی جهت رسیدن به توسعه پایدار است. در این بین شناسایی رابطه باورپذیری مردم سالاری و عوامل اجتماعی فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است.

روش: در این پژوهش، با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان به صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: پس از توزیع پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات به آزمون فرضیات پرداخته شد. در تحلیل آماری پژوهش از شیوه‌های آمار توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد و...) و آماراستنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون...) استفاده شده است.

نتایج: بر اساس نتایج به دست آمده بین جنسیت و باورپذیری مردم سالاری رابطه معنی داری وجود دارد به طوری که باورپذیری مردم سالاری در بین مردان بیش‌تر از زنان است. باورپذیری مردم سالاری در بین مردان ۷۶ درصد و در بین زنان ۷۲ درصد است. همچنین نتایج حاکی از آن است که باورپذیری مردم سالاری با ساخت خانواده، تقدیرگرایی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم دارد. از طرف دیگر بین باورپذیری مردم سالاری با سطح تحصیلات و میزان دین‌داری افراد رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: مردم سالاری، اعتماد اجتماعی، تقدیرگرایی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۲۱

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور لرستان <n_alahdadi60@yahoo.com>

** دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه پیام نور لرستان

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور خوزستان

مقدمه

مردم سالاری یکی از موضوعاتی است که در حال حاضر در جامعه ما بحث روز است و به نظر می‌رسد که این موضوع به گونه‌ای روشن تعریف نشده است و با چنین زمینه‌ای بحث‌ها از سطحی هیجانی و عاطفی فراتر نمی‌رود. به هر حال گام نخست، آگاهی از اصول و مفاهیم مربوط به مردم سالاری است تا بتوان در مورد آن عالمانه داوری کرد. در مورد اهمیت پرسش این موضوع (مردم سالاری) کوهن مثالی به نام کفش تنگ می‌زند. کوهن اجرای مردم سالاری در یک کشور را به یک کفش تشبیه می‌کند که تنها پوشندگان کفش در مورد اندازه ی کفش حق اظهار نظر دارند. چون مردم سالاری از آن مردم است، همان مردم نیز باید حق داشته باشند به فراخور سهم خود نظرشان را ابراز نمایند.

در دنیای امروز که تعلیم و تربیت بیش از هر زمانی در ایجاد شخصیت افراد مؤثر است، وجود فعالیت‌های وسیع‌تر دانشجویان اجتناب ناپذیر و یک پدیده اجتماعی است. کشورهای در حال توسعه نیز مانند کشورهای توسعه یافته به جهت نیازی که به تحول و ایجاد توسعه و رشد ملی دارند، ناگزیر از داشتن دانشگاه‌های پیشرفته و در نتیجه دانشجویانی هستند که بایستی با ارزش‌های جدید و متداول در سطح جهانی مجهز باشند. با توجه به همین سابقه ی تاریخی، اهمیت، حساسیت و جهانی بودن مسئله است که در اکثر کشورهای دنیا مطالعات و تحقیقات وسیعی در زمینه مسائل دانشجویی به عمل آمده است.

پیشینه پژوهش

آجدانی (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان «ایران، اسلام و دموکراسی» به بررسی نحوه تکوین و پویایی مفهوم دموکراسی در شرایط جامعه ایران و ملازمت‌ها و ناهمسازی‌های آن با سنت اسلامی پرداخته است. این بررسی به گونه‌ای تاریخی و تحلیلی انجام شده و بیش‌تر به نقد دیدگاه‌هایی پرداخته است که از زمان پیدایش و رواج مفهوم دموکراسی در

میان اهل فکر و سیاست ایران و در مقام سازگاری و عدم تقابل آن با سنت دینی و اسلامی اظهار شده است. به طور خلاصه نویسنده عدم سازگاری اسلام و دموکراسی را نتیجه گرفته و معتقد است میان حق حاکمیت الهی به عنوان مبنای مشروعیت سیاسی در اسلام با حق حاکمیت ملی به عنوان مبنای مشروعیت سیاسی در نظام دموکراسی تضاد ماهوی وجود دارد. همچنین گفتمان دموکراتیک ماهیتاً بر اعتقاد به نسبیت و پیروی از اصل تردید و چون چرا در همه چیز، حتی آن اموری که دین آن‌ها را مطلق، مقدس و اخلاقی تلقی می‌کند، استوار است.

سروش (۱۳۷۸) در کتابی با عنوان «دین و دولت در اندیشه اسلامی» به پژوهش در باب مسائل مرتبط با حکومت اسلامی پرداخته است. وی در این پژوهش موضوعاتی نظیر رابطه دین و دولت، دیدگاه اسلام درباره حکومت، خاستگاه دولت و شرایط حاکم در اندیشه اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده، دموکراسی را به معنی نفی استبداد، کنترل دولتمردان، و مشارکت مردم در حکومت دانسته و بر این اساس با استناد به آیات قرآن و روایات اسلامی نتیجه می‌گیرد که دین اسلام و حکومت دینی که بر مبنای آن تشکیل می‌شود قطعاً دموکراتیک است و نسبتی بسیار نزدیک با دموکراسی دارد، گرچه وی متذکر می‌شود که «کشورها و رژیم‌های مختلف، بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی خود و با توجه به سابقه تاریخی خویش، مجاری خاصی را برای مردم سالاری بر می‌گزینند».

موحد (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان اسلام و دموکراسی به بررسی جامعه شناختی رابطه میان دین داری و تمایل به دموکراسی پرداخته است. این مطالعه در سال ۱۳۸۳ و در میان یک نمونه ۲۰۱ نفری از زنان و مردان در شهر شیراز انجام گرفته است، یافته‌های این پژوهش نشان‌گر تمایلات زیاد مذهبی پاسخ‌گویان و همچنین تمایل زیاد ایشان به دموکراسی و مشارکت سیاسی می‌باشد. در عین حال رابطه معنی داری میان دو متغیر دینداری و تمایل به دموکراسی مشاهده گردید. مشاهده تفاوت معنی دار میان مشاغل

گونگون نسبت به دموکراسی و نبود تفاوت معنی دار در بین زنان و مردان، همچنین وجود بیشترین میزان همبستگی میان ارزش‌های دینی با تمایل به دموکراسی از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش محسوب می‌گردد.

تسلر^۱ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «آیا جهت‌گیری‌های اسلامی در جهان عرب بر تمایل به دموکراسی ایشان مؤثر است؟»، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی به بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های اسلامی بر تمایل به دموکراسی در بین شهروندان ۴ کشور عربی مصر، اردن، مراکش و الجزایر پرداخته است. پیمایش در این کشورها در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۰ و با همکاری برخی پژوهشگران این کشورها صورت گرفته است. نویسنده از تحلیل داده‌های پیمایش نتیجه می‌گیرد که تمایلات و وابستگی‌های مذهبی تأثیر محدودی بر دیدگاه‌های مربوط به دموکراسی دارند. همچنین بر اساس یافته‌های پیمایش، افرادی که در مساجد بیش‌تر حضور می‌یابند، با آن‌ها که حضور کم‌تری در مساجد دارند نگرشی یکسان و تا اندازه‌ای مطلوب به دموکراسی دارند، نتیجه این که وابستگی‌های اسلامی قوی بر حمایت از دموکراسی تأثیر منفی ندارد. درباره نقش سیاسی مذهب و رهبران مذهبی نیز نتایج نشان می‌دهند که طرفداری از اسلام سیاسی، شهروندان را به گرایش‌های نامساعد به سمت دموکراسی سوق نمی‌دهد (تسلر، ۲۰۰۳: ۱۴۳).

یکی از مقالاتی که درباره تأثیر عامل فرهنگ بر دموکراتیزاسیون به رشته تألیف درآمده است مقاله‌ای است تحت عنوان «چالش‌های فرهنگی دموکراتیزاسیون در روسیه» که تریک^۲ در سال ۲۰۰۶ آن را تدوین نموده است. تریک با اشاره به سه عامل فرهنگی به بررسی بافت فرهنگی روسیه و علت پذیرش یا عدم پذیرش دموکراسی در این کشور می‌پردازد. سه عامل - سرزمین، کلیسا و غرب - به عنوان عامل اصلی تأثیر گذار در نوع نگاه مردم روسیه به دموکراسی از نظر تریک مد نظر قرار گرفته است. در میان این عوامل

1. Tessler

2. Terik

اگر چه ایشان کلیسا را عامل بسیار مهمی در پذیرش یا رد دموکراسی در روسیه معرفی می‌کند، اما به نظر می‌رسد که بدبینی روسی‌ها از غرب و نگاه منفی آن‌ها به کشورهای غربی و به علاوه این که دموکراسی را فرآیند و پروژه‌ای غربی به شمار می‌آورند در عدم پذیرش دموکراسی نقش مهمی را ایفا می‌کند (تریک، ۲۰۰۶: ۱۶۷).

ارزش‌های عام یا جهانی و دموکراسی اسلامی مقاله‌ای است که توسط ابراهیم در سال ۲۰۰۶ تألیف شده است. ابراهیم یکی از فعالان دموکراسی در کشور مالزی بوده است که در سال ۱۹۹۸ به مدت ۶ سال یعنی تا ۲۰۰۴ در زندان به سر برده است. یکی از مباحثی که ابراهیم به آن پرداخته است، مبحث امواج دموکراسی در کشورهای مسلمان است در این بحث ابراهیم از اندونزی به عنوان بزرگترین کشور اسلامی که پایه‌هایی از دموکراسی را در خود دارد، یاد می‌کند و خاطر نشان می‌کند که اگر چه در اندونزی هنوز گام‌های بسیاری جهت نیل به دموکراسی باید برداشته شود اما این کشور در ابعاد مختلف دموکراسی در میان کشورهای اسلامی وضعیت مطلوبی داشته و می‌تواند سرمشقی برای سایر کشورهای اسلامی باشد. یکی دیگر از کشورهایی که ابراهیم از آن به عنوان کشور دموکراتیک اسلامی نام می‌برد ترکیه است. ترکیه به باور ابراهیم از زمان آتاتورک و پس از جنگ جهانی مدرن شده است و پس از سال‌ها امروزه به سوی دموکراسی گام بر می‌دارد و یکی از عواملی که در این راه تأثیر گذاشته است سکولاریسم در این کشور است. به علاوه امکان الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا نیز از دیگر عوامل مهم در نزدیکی به دموکراسی در کشور ترکیه است (کورت^۱، ۲۰۰۵: ۱۶۷).

مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه مردم سالاری در جهان و ایران نشان می‌دهد که تألیفات و تحقیقات بسیاری در زمینه مردم سالاری انجام گرفته است. می‌توان گفت آنچه که تا کنون محققان و صاحب نظران داخلی بیش‌تر به آن توجه نشان داده‌اند یا بررسی تئوریک سازگاری و عدم سازش میان تعالیم اسلامی و مقوله مردم سالاری بوده و

1. Kurth

یا بیش‌تر مطالعاتی را شامل می‌شود که در رابطه با نظام سیاسی و جنبه‌های عینی‌تر مردم سالاری مانند مشارکت صورت گرفته است و مطالعاتی که جنبه‌های فرهنگی مردم سالاری و باورهای ذهنی افراد را نسبت به مسئله مورد بررسی قرار می‌دهند کم‌تر انجام گرفته است. بنابراین آنچه محقق را بر آن داشته تا با وجود همه تحقیقات انجام پذیرفته بر انجام و پژوهش در مورد مسئله مردم سالاری همت گمارد، نقصان و کاستی‌های هر یک از این مطالعات در ابعاد مختلف و همچنین اهمیت روز افزون مقوله مردم سالاری به ویژه در کشورهای جهان سوم می‌باشد. در این پژوهش سعی شده باورهای افراد نسبت به مسئله مردم سالاری به عنوان یک مسئله اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری پژوهش (مدل تلفیقی)

مباحثی که در مورد مردم سالاری، شرایط ظهور و پایداری آن مطرح می‌شود به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول مباحثی هستند که بر عوامل اجتماعی اقتصادی تأکید دارند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که مدرنیته اقتصادی اجتماعی شرط اول موفقیت یک جامعه مردم سالار است و در این زمینه با شاخص‌هایی چون شهرنشینی، سطح سواد، سطح درآمد سرانه و صنعتی شدن توجه می‌نمایند. لیست را می‌توان مهم‌ترین نظریه پرداز این رویکرد نامید که توسعه اقتصادی را مهم‌ترین شرط ایجاد مردم سالاری کارآمد می‌داند و استدلال می‌کند که مردم سالاری به وجود یک طبقه متوسط قوی و مستقل از دولت نیاز دارد و ایجاد این طبقه منوط به توسعه اقتصادی است. رویکرد دوم بر وجود ساختارهای مردم سالارانه رسمی تأکید می‌کند. نظریه پردازان این رویکرد بیش‌تر به چارچوب نهادی و قانونی حکومت مردم سالارانه اهمیت می‌دهند و معتقدند وجود یک چارچوب مردم سالارانه مناسب همراه با رویه‌ها و تضمین‌های قانونی لازم، خود به خود عملکرد صحیح یک حکومت را به دنبال خواهد آورد. رویکرد سوم بر عوامل فرهنگی تأکید می‌نماید و بر اساس آن شرط اصلی کارایی یک حکومت مردم سالارانه قبل از هر

چیز وجود فرهنگ مردم سالاری و زندگی مدنی است. به طور کلی می‌توان گفت اکثر پژوهش‌هایی که در ایران راجع به مردم سالاری انجام گرفته است به صورت اسنادی و کار کتابخانه‌ای بوده و یا مربوط به نظام سیاسی و شاخص‌های عینی مردم سالاری مانند مشارکت در قالب انتخابات صورت گرفته و یا به صورت تئوریک رابطه‌ی اسلام و مردم سالاری و سازگاری و عدم سازگاری بین این دو را بررسی کرده‌اند و جای تحقیقاتی با محوریت باورها، ذهنیات و نگرش‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی مردم نسبت به قضیه مردم سالاری خالی به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به این مباحث و رویکرد سومی که در بالا ذکر آن رفت، یعنی رویکرد فرهنگی نسبت به مردم سالاری و با توجه به تغییر و تحولاتی که در ایران به خصوص پس از سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوسته است، همچنین با توجه به روند حرکتی جامعه و حاکمیت ایرانی که تا حدودی همراه و هماهنگ با تغییرات جهانی و در راستای مردم سالاری است، در این پژوهش سعی شده با توجه به پذیرش جهانی مردم سالاری و نقش دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته و پیشگام جامعه از لحاظ علمی و فرهنگی، میزان باورپذیری مردم سالاری و رابطه آن با عوامل اجتماعی فرهنگی مانند دینداری، پایگاه اجتماعی اقتصادی، اعتماد اجتماعی و... بررسی شود و اگر این مختصر و مسائلی که طی آن طرح گردید، این توفیق را داشته باشد، که بتواند آغازگر طرح مسائل مربوط و مشابه بیش‌تری در این زمینه گردد، خود گرانباترین پاداش برای نگارنده خواهد بود.

براساس دیدگاه‌های ارائه شده در زمینه مردم سالاری، هر یک از متفکران و نظریه پردازان، به جنبه‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند. برای طرح مدلی جامع‌تر سعی شده از نظریات مختلف استفاده گردد. بدین ترتیب در مورد تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی از نظریه لیپست، دین‌داری از نظریه هانتینگتون، اعتماد اجتماعی از نظریه پوتنام، ساخت خانواده از نظریه مک میلان، وسایل ارتباط جمعی از نظریه تامسون و تقدیرگرایی از نظریه

فرهنگی استفاده شده است. در نهایت با تلفیق این نظریات مدلی نظری برای بررسی دقیق تر موضوع و لحاظ کردن ابعاد مختلف آن به عنوان چارچوب نظری ارائه شده است.

فرضیات تحقیق

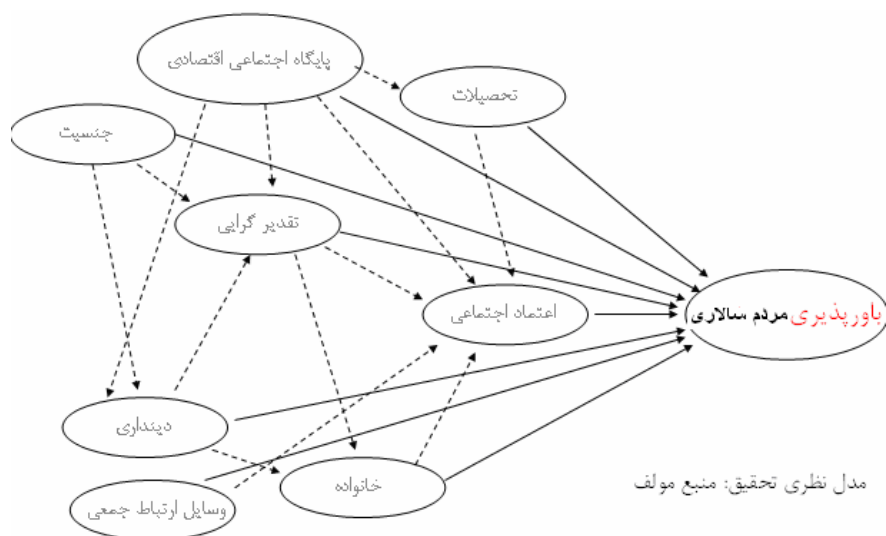
فرضیه‌ها شامل یک فرضیه کلی و هشت فرضیه جزئی است بدین ترتیب:

فرضیه اساسی تحقیق

به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی و فرهنگی و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی

- ۱- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۲- بین جنسیت و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد اجتماعی و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین دینداری و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین تقدیر گرایی و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد بین ساخت خانواده و باور پذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.



مدل نظری تحقیق

در این قسمت با توجه به فرضیات تحقیق در پی بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته خواهیم بود. با توجه به این که متغیر وابسته در این تحقیق در سطح فاصله‌ای در نظر گرفته شده است، سطح سنجش متغیر مستقل تعیین کننده آزمون مورد استفاده برای تبیین فرضیات خواهد بود.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش پیمایش و ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. به منظور اطمینان از روایی و پایایی تحقیق نخست با دادن پرسشنامه به ۴۰ نفر از پاسخگویان اقدام به یک مطالعه راهنما شد که در پایان گویه‌هایی که پایایی ضعیفی داشتند از پرسشنامه حذف و در نتیجه آلفای کرونباخ کل

گویه‌ها بیش‌تر از ۰/۷ شد. همچنین از نظرات صاحب‌نظران و متخصصان این رشته به منظور اعتبار صوری پژوهش استفاده شد. در این پژوهش سئوالات با توجه به مقیاس‌های اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای مطرح شده و همچنین از طیف‌های لیکرت و ازگود (برش قطبین) برای سنجش باورها و ذهنیات افراد استفاده شده است.

شیوه نمونه‌گیری

شیوه‌های نمونه‌گیری نسبت به مسائل مورد بررسی متفاوت است و برای هر مسئله‌ای بنا بر شرایط مکانی و زمانی خاص، نوع خاص نمونه‌گیری باید لحاظ شود. شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق سهمیه‌ای^۱ می‌باشد. هر چند شیوه‌های نمونه‌گیری احتمالی نظیر نمونه‌گیری تصادفی ساده، سیستماتیک و طبقه‌بندی، نسبت به شیوه سهمیه‌ای از لحاظ آماری ارجحیت دارد، ولی دلایل متعددی منجر به استفاده از این شیوه نمونه‌گیری شده است. مهم‌ترین عامل استفاده از این شیوه نمونه‌گیری، ماهیت موضوع مورد مطالعه می‌باشد. مهم‌ترین تفاوتی که نمونه‌گیری سهمیه‌ای با نمونه‌گیری طبقه‌ای دارد این است که در نمونه‌گیری غیر احتمالی، مانند سهمیه‌ای پاسخ‌گو شناخته نمی‌شود. اما نمونه‌گیری احتمالی به نحوی است که در نهایت فرد پاسخ‌گو شناخته می‌شود. به عبارت دیگر نمونه‌گیری احتمالی به نحوی است که در نهایت فرد پاسخ‌گو به این اطمینان خواهد رسید، که محقق او را می‌شناسد. با توجه به این امر که موضوع مورد مطالعه در این پژوهش مقوله‌ی مردم‌سالاری و عوامل مؤثر بر آن مانند تقدیر گرایی، ساخت خانواده، دین‌داری و... است و این موضوعات دارای حساسیت زیادی می‌باشند، بنا بر این به نظر می‌رسد از نظر پاسخ‌گو ناشناختگی مطلوب‌تر است. تجربه استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی و به دست آوردن نتایج کار آمد تجربه ایست که دواس نیز به آن توجه کرده است.

1. guato sampleing

جامعه آماری

منظور از جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از آن نمونه‌ای نمایا یا معرف به دست می‌آید. در تحقیق حاضر جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌باشد که تعداد کل آن‌ها در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، ۱۳۲۰۵ نفر (۴۱۱۹ نفر مرد و ۹۰۸۶ زن) می‌باشند. لازم به توضیح است که به دلیل عدم دسترسی کامل به دانشجویان مقطع دکتری و دانشوری، آن‌ها از جامعه آماری حذف و نمونه‌گیری از مقاطع پایین‌تر به عمل آمده است. جداول زیر دانشجویان مشمول جامعه آماری را نشان می‌دهند.

جدول ۱ - جامعه آماری بر حسب دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت

جمع	کارشناسی ارشد				کارشناسی				دانشکده	
	مرد		زن		مرد		زن			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱/۴۲	۱۴۵۶	۰/۷۲	۹۲	۰/۳۷	۴۸	۵/۶	۷۱۵	۴/۷	۶۰۱	فنی و مهندسی
۲۲/۶	۲۸۸۷	۱/۵	۱۹۲	۲/۳	۳۰۳	۴/۱	۵۲۸	۱۳/۶	۱۸۶۴	علوم
۱۹/۱	۲۴۳۸	۱/۳۶	۱۷۴	۱/۷	۲۱۸	۲/۶	۳۳۸	۱۲/۵	۱۷۰۸	ادبیات و علوم انسانی
۳/۱۹	۱۶۸۲	۰/۴۰	۵۱	۱/۰۷	۱۳۷	۱/۶	۲۱۰	۱۰	۱۲۸۴	علوم تربیتی و روانشناسی
۱۹/۰۱	۲۴۳۴	۱/۳۵	۱۷۳	۰/۶۹	۸۹	۵/۹	۷۶۲	۱۱	۱۴۱۰	علوم اداری و اقتصاد
۱۰/۱	۱۲۸۸	۰/۴۸	۶۲	۰/۸۰	۱۰۳	۱/۹۳	۲۴۷	۶/۸	۸۷۶	زبان‌های خارجی
۳/۰۲	۳۸۵	۰/۲۷	۳۵	۲/۰۸	۲۶	۱/۲	۱۵۳	۱/۳	۱۷۱	تربیت بدنی و علوم ورزشی
۱/۳۹	۱۷۸	-	-	-	-	۰/۳۶	۴۷	۱	۱۳۱	ریاضی و کامپیوتر خوانسار
۱۰۰	۱۲۷۴۸	۶/۸	۷۷۹	۹/۰۱	۹۲۴	۲۳/۲۹	۳۰۰۰	۶۰/۹	۸۰۴۵	جمع

حجم نمونه

حجم نمونه به آن جزء از جامعه آماری گفته می‌شود که معرف و نمایای جامعه است و مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. حجم نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است که بر اساس آن:

$$N = \frac{\frac{tpq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{tpq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1.96)(0.6)(0.4)}{(0.05)}}{1 + \frac{1}{12748} \left(\frac{(1.96)(0.6)(0.4)}{(0.05)} - 1 \right)} = 385$$

سهمیه‌بندی حجم نمونه عملیاتی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق سهمیه‌ای است، که بر اساس آن ساخت جامعه مورد مطالعه مشخص است. در این پژوهش بعد از تعیین حجم نمونه مقتضی، آن را بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و دانشکده تفکیک کرده، و سهم هر یک از دانشکده‌ها مشخص شده، و سپس به صورت اتفاقی در هر دانشکده، میزان پرسشنامه مقتضی بین دانشجویان توزیع گردید. فرمول محاسبه جدول تعیین حجم نمونه این گونه است:

$$\frac{\text{تعداد هر طبقه (مثلاً جنس یا ...)}}{\text{تعداد جامعه آماری کل}} \times \text{حجم نمونه (385)}$$

بر این اساس به تشریح میزان حجم نمونه به تفکیک مقطع، جنس و دانشکده می‌پردازیم:

جدول ۲ - حجم نمونه بر حسب دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت

جمع	کارشناسی ارشد						کارشناسی				دانشکده
	مرد			زن			مرد		زن		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱/۵	۴۴	۰/۸	۳	۰/۵	۲	۵/۵	۲۱	۴/۷	۱۸	فنی و مهندسی	
۶۰/۱	۸۸	۱/۳	۶	۲/۳	۹	۴/۲	۱۶	۱۴/۵	۵۶	علوم	
۱۹/۲	۷۵	۱/۳	۶	۱/۸	۷	۲/۶	۱۰	۱۳/۵	۵۲	ادبیات و علوم انسانی	
۱۳/۳	۵۱	۰/۵	۲	۱/۰۴	۴	۱/۶	۶	۱۰/۲	۳۹	علوم تربیتی و روانشناسی	
۱۸/۷	۷۳	۱/۰۴	۵	۰/۸	۳	۶	۲۳	۱۰/۹	۴۲	علوم اداری و اقتصاد	
۹/۶	۳۷	۰/۵	۲	۰/۸	۳	۱/۸	۷	۶/۵	۲۵	زبان‌های خارجی	
۳/۲	۱۲	۰/۳	۱	۰/۳	۱	۱/۳	۵	۱/۳	۵	تربیت بدنی و علوم ورزشی	
۱/۳۴	۵	-	-	-	-	۰/۳	۱	۱/۰۴	۴	ریاضی و کامپیوترخوانسار	
۱۰۰	۳۸۵	۵/۴	۲۵	۷/۸	۲۸	۲۳/۷	۸۹	۶۳/۱	۲۴۲	جمع	

نتایج پژوهش

داده‌های تحقیق با استفاده از روش پیمایش و به کارگیری ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده و پس از آن به کمک روش ضریب همبستگی فرضیه‌ها مورد بررسی و آزمون قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون ضرایب همبستگی برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته		
	حقوق و آزادی‌های مدنی	حکومت مردم سالار	جامعه مردم سالار
۱- جنسیت	ضریب اتا	۰/۲۸	۰/۲۴
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	۰/۰۸	۰/۰۷
۲- پایگاه اجتماعی اقتصادی	ضریب پیرسون	۰/۳۸	۰/۳۳
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	۰/۱۳	۰/۰۹
۳- دینداری	ضریب پیرسون	۰/۱۴	۰/۹
	سطح معنی داری	۰/۲۸۸	۰/۱۲۵
	ضریب تعیین	۰/۰۰۵	۰/۰۱
۴- تقدیرگرایی	ضریب پیرسون	-۰/۴۵	-۰/۴۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	-۰/۱۶	-۰/۲۰
۵- اعتماد اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۴۰	۰/۴۳
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	۰/۱۶	۰/۱۰
۶- سطح تحصیلات	ضریب اتا	۰/۱۲	۰/۰۶
	سطح معنی داری	۰/۳۹۸	۰/۰۳۴
	ضریب تعیین	۰/۰۱	۰/۰۰۵
۷- ساخت خانواده	ضریب پیرسون	۰/۴۴	۰/۴۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	۰/۱۹	۰/۱۶
۸- وسایل ارتباط جمعی	ضریب پیرسون	۰/۳۱	۰/۲۳
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	ضریب تعیین	۰/۰۹	۰/۰۵

فرضیه اول: بین جنسیت و میزان باورپذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.

جنسیت یک متغیر اسمی می باشد لذا از ضریب اتا برای تأیید یا رد فرضیه مورد نظر استفاده شده است. همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود ضریب اتا که نشان دهنده رابطه بین باورپذیری مردم سالاری و جنسیت می باشد معادل $0/23$ به دست آمده که نشان دهنده وجود رابطه ای با شدت نسبتاً ضعیف است. از آن جایی که سطح معناداری کم تر از $0/05$ و معادل صفر می باشد می توان این رابطه را معنی دار در نظر گرفت. همچنین ضریب تعیین محاسبه شده نشان می دهد که 7 درصد از واریانس یا پراکندگی متغیر وابسته توسط متغیر جنسیت تبیین می گردد. از بین شاخص های سه گانه نیز بیش ترین همبستگی مشاهده با حقوق و آزادی های مدنی به میزان $0/28$ و کم ترین آن با جامعه مردم سالار به میزان $0/24$ محاسبه شده است. علاوه بر این با استفاده از نمرات میانگین دو گروه زن و مرد که در جدول ۴ آمده است می توان گفت که مردان نسبت به زنان از میزان باورپذیری دموکراسی بیش تری برخوردارند و این اختلاف میانگین با توجه به سطح معناداری $0/05$ معنادار می باشد.

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین باورپذیری مردم سالاری بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین (درصد)	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
مرد	۱۱۴	$0(76)107/68$	$28/209$	۲/۱۹۹	۰/۰۲۹
زن	۲۷۱	$0(72)101/75$	$22/972$		

فرضیه دوم: به نظر می رسد هر چه پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد بالاتر باشد میزان باورپذیری مردم سالاری بیش تر است.

با توجه به نتایج جدول ۳ سطح معناداری مربوطه متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی کم تر از $0/05$ و معادل صفر است، بنابراین رابطه بین باورپذیری مردم سالاری و پایگاه

اجتماعی اقتصادی مورد تأیید است. بدین معنا که هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان باور پذیری مردم سالاری بیش تر می شود. ضریب همبستگی پیرسون معادل ۳۴/ نشان دهنده رابطه ای با شدت متوسط می باشد. از بین شاخص های سه گانه باورپذیری مردم سالاری نیز بیش ترین میزان همبستگی بین پایگاه اقتصادی اجتماعی با حقوق و آزادی های مدنی است که معادل ۳۸/۰ می باشد. پس از آن حکومت مردم سالار و جامعه مردم سالار به ترتیب با رابطه ای معادل ۳۵/۰ و ۳۳/۰ درصد از رابطه ای با شدت تقریباً مساوی برخوردارند. همچنین بر مبنای ضریب تعیین محاسبه تعیین شده می توان گفت ۱۲/۰ از واریانس یا پراکندگی متغیر باورپذیری مردم سالاری ناشی از پایگاه اقتصادی اجتماعی می باشد.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین دینداری و میزان باورپذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد. ضریب پیرسون معادل ۱۲/۰ مبین وجود رابطه بین دو متغیر است. لیکن با توجه به این که سطح معناداری مربوط به متغیر دین داری بیش تر ۰/۰۵ می باشد این رابطه معنادار نیست. به طور خلاصه می توان گفت با توجه به این که ضریب تعیین محاسبه شده بسیار ضعیف و نزدیک به صفر می باشد و با توجه به سطح معناداری متغیر دینداری بر باورهای مردم سالار افراد تأثیری ندارد.

فرضیه چهارم: به نظر می رسد هرچه تقدیر گرایی بیش تر باشد میزان باورپذیری مردم سالاری کم تر می شود.

در جدول ۳ سطح معناداری مربوط به متغیر تقدیر گرایی کم تر از ۰/۰۵ می باشد که حاکی از معنادار بودن رابطه باور پذیری مردم سالاری با تقدیر گرایی است. ضریب همبستگی پیرسون معادل ۴۸/۰- است. منفی بودن این ضریب نشان دهنده وجود یک رابطه معکوس بین دو متغیر می باشد، بدین معنا که هر چه تقدیرگرایی بیش تر باشد میزان

باورپذیری مردم سالاری کم تر است و یا برعکس هر چه تقدیرگرایی کم تر باشد میزان باورپذیری مردم سالاری بیش تر است. مقایسه رابطه متغیر تقدیرگرایی با شاخص های سه گانه متغیر وابسته نشان می دهد که بیش ترین میزان رابطه با حکومت مردم سالار به میزان $0/47-$ و کم ترین میزان رابطه با جامعه مردم سالار به میزان $0/41-$ می باشد. علاوه بر این ضریب تعیین محاسبه شده نشان می دهد که تا ۲۳ درصد از واریانس یا پراکندگی مربوط به باور پذیری مردم سالاری ناشی از تقدیر گرایی می باشد.

فرضیه پنجم: به نظر می رسد هرچه اعتماد اجتماعی افراد بیش تر باشد میزان باور پذیری مردم سالاری بیش تر است.

با توجه به جدول ۳ سطح معناداری مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی کم تر از $0/05$ و تقریباً معادل صفر است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان اعتماد اجتماعی و باور پذیری دموکراسی رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود، بدین معنا که هر چه افراد دارای اعتماد اجتماعی بیش تری باشند بر میزان باورهای مردم سالاری افزوده می شود. ضریب همبستگی پیرسون معادل $0/42$ نشان دهنده رابطه ای با شدت متوسط می باشد. از بین شاخص های سه گانه مردم سالاری، حقوق و آزادی های مدنی دارای کم ترین میزان همبستگی و حکومت مردم سالار و جامعه مردم سالار دارای بیش ترین میزان همبستگی با باور پذیری مردم سالاری می باشد.

فرضیه ششم: به نظرمی رسد هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد میزان باور پذیری مردم سالاری بیش تر است.

ضریب اتا معادل $0/11$ مبین وجود رابطه بین دو متغیر است. لیکن باتوجه به این که سطح معناداری بیش تر از $0/05$ می باشد این رابطه معنادار نیست. باین حال اگر به ضرایب اتا و سطح معناداری مربوط به هر شاخص از متغیر وابسته به طور جداگانه دقت کنیم،

متوجه می‌شویم که علیرغم این که در کلیه شاخص‌ها شاهد یک رابطه با شدت بسیار ضعیف هستیم اما این رابطه در مورد دو شاخص حکومت مردم سالار و جامعه مردم سالار معنادار می‌باشد. البته با توجه به این که ضریب تعیین محاسبه شده بسیار ضعیف و نزدیکی به صفر می‌باشد می‌توان استدلال کرد که متغیر سطح تحصیلات تأثیری بر میزان باورپذیری مردم سالاری ندارد.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین ساخت خانواده و میزان باورپذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری متغیر ساخت خانواده کم‌تر از ۰/۰۵ یعنی معادل صفر محاسبه شده است. می‌توان گفت که رابطه بین باورپذیری مردم سالاری و ساخت خانواده معنادار می‌باشد. بدین معنا که هر چه ساخت خانواده بازتر و دارای آزادی و انعطاف بیش‌تری باشد بر میزان باورپذیری مردم سالاری افزوده می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون برای این فرضیه معادل ۰/۴۵ به دست آمده است که نشان دهنده وجود رابطه با شدت متوسط می‌باشد. از بین شاخص‌های سه گانه متغیر وابسته بیش‌ترین رابطه با حقوق و آزادی‌های مدنی و کم‌ترین رابطه با جامعه مردم سالار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین محاسبه شده نشان می‌دهد که تا ۲۰ درصد از واریانس یا پراکندگی متغیر باور پذیری مردم سالاری ناشی از ساخت خانواده است.

فرضیه هشتم: بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و باورپذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی معادل ۰/۲۷ نشان دهنده وجود یک رابطه مستقیم با شدت نسبتاً ضعیف بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است. با توجه به سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ می‌توان با اطمینان ۰/۹۵ ادعا نمود که بین میزان استفاده از

وسایل ارتباط جمعی و باورپذیری مردم سالاری رابطه وجود دارد. ضریب تعیین محاسبه شده حاکی از آن است که تا ۷ درصد از واریانس یا پراکندگی متغیر وابسته ناشی از میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌باشد.

تحلیل چند متغیره

آزمون فرضیه‌های تحقیق، چگونگی رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته که در قالب فرضیه‌های این پژوهش مطرح شده بود، مشخص گردید. از این جهت در مجموع ۸ فرضیه مورد بررسی قرار گرفت با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و فعالیت‌های آماری مربوط، اکثریت فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. در این بخش با استفاده از تکنیک‌های چندمتغیره از قبیل تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر چگونگی روابط درونی متغیرهای مرتبط با متغیر وابسته پژوهش، تعیین و سهم هر یک از آن‌ها در تبیین متغیر وابسته پژوهش و چگونگی این سهم به لحاظ میزان همبستگی، نوع سهم از جهت مثبت یا منفی بودن، نوع ارتباط (مستقیم یا غیرمستقیم) مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این نهایتاً مدل تجربی پژوهش مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد.

تحلیل رگرسیون چندگانه

در این پژوهش به منظور روابط چند متغیری چندگانه و بخش اثرات جمعی وهم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، تعیین همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق و نیز بیان توان تبیین مدل‌های پژوهش از تکنیک تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با توجه به تعداد زیاد متغیرهای مستقل، از روش گام به گام^۱ یا مرحله به مرحله که روش مناسبی برای این امر می‌باشد استفاده شده است. در روش گام

1. stepwise

به گام اولین متغیر مستقل براساس بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته وارد تحلیل می‌شود، از آن پس سایر متغیرهای مستقل برحسب ضریب همبستگی در تحلیل وارد می‌شوند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۹۳). در این روش احتمال دارد برخی از متغیرهایی که در مرحله اول دارای قدرت تبیین بالایی بودند در مراحل بعدی حذف شوند. در هر مرحله متغیر با متغیرهایی باقی می‌ماند که پس از تفکیک مشارکت متغیرهای مقدم بر آن‌ها دارای بیش‌ترین مجذور همبستگی R باشد. هر مرحله با آزمون F مورد می‌گیرد (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

جدول ۵ - تحلیل رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی چندگانه (R): ۰/۷۱۴		مقدار (F): ۳۲/۵۸۶		سطح معناداری (sig): ۰/۰۰۰	
ضریب تعیین (R ^۲): ۰/۵۰۴		ضریب تعیین شده (R ^۲): ۰/۴۹۵			
متغیر	ضریب استاندارد شده (beta)	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین شده (R ^۲)	ضریب تعدیل شده (R ^۲)	سطح معناداری (sig)
ساخت خانواده	۰/۳۹	۰/۵۳۰	۰/۲۹۵	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰
تقدیر گرایی	-۰/۳۴	۰/۶۲۸	۰/۳۸۷	۰/۳۸۲	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۲۶	۰/۶۷۲	۰/۴۶۸	۰/۴۶۰	۰/۰۰۰
وسایل ارتباط جمعی	۰/۱۸	۰/۷۱۴	۰/۵۰۴	۰/۴۹۵	۰/۰۰۵

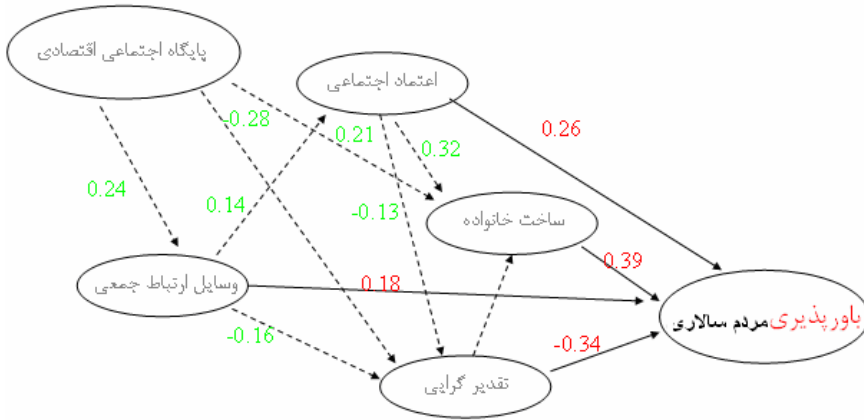
نتایج فوق با توجه به مقدار سنجه آزمون F و معناداری آن در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد معادله رگرسیون معتبر و نتایج آن قابل تحلیل می‌باشد. ضریب همبستگی چندگانه پنج متغیر باقیمانده در تحلیل رگرسیون با متغیر وابسته ۰/۵۰۴ درصد می‌باشد و ضریب تعیین خالص ۰/۴۹۵ درصد می‌باشد که به معنای تبیین ۰/۴۹ درصد واریانس متغیر وابسته از طریق این پنج درصد باقیمانده به وسیله متغیرهای دیگری تبیین می‌شوند.

با توجه به ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرهای معادله رگرسیون که از ضرایب استاندارد شده (بتا)¹ بوده و قابلیت مقایسه را دارند به ترتیب متغیرهای ساخت خانواده، تقدیرگرایی، اعتماد اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی بیشترین تأثیرگذاری را در تبیین واریانس متغیر وابسته دارند.

تحلیل مسیر

برای آزمون مدل تجربی یا مدل‌های طراحی شده در پژوهش از شیوه تحلیل مسیر استفاده می‌شود که نتایج آن مناسب بودن مدلی را فراهم می‌سازد. در این شیوه با طراحی دیگرام مسیر، روابط مستقیم و غیر مستقیم و نیز عدم رابطه (در صورت فرض صفر بودن همبستگی در متغیر) بین تعدادی از متغیرها نشان داده می‌شود. علاوه بر آن در شیوه تحلیل مسیر علاوه بر روابط خطی به روابط غیرخطی بین متغیرها نیز توجه گردیده و زمینه قضاوت در مورد روابط متغیرها فراتر از روابط خطی که مبتنی بر محاسبه ضرایب همبستگی است فراهم می‌گردد. در این روش از وزن‌های بتا (ضرایب استاندارد شده رگرسیون) و ضریب R^2 به عنوان ضرایب مسیر استفاده می‌شود و میزان و علامت این ضریب دلالت بر ارزش و جهت گذاری آن‌ها بر روی متغیر مربوطه دارد. از طرفی تحلیل مسیر، نوعی تحلیل رگرسیون کاربردی است که در سطحی فراتر از تحلیل رگرسیون عمل می‌کند. بدین صورت که در تحلیل مسیر علاوه بر روابط مستقیم و غیر مستقیم و خطی بین متغیرها، روابط غیرخطی مستقیم بین متغیرها نیز مشخص می‌شود.

1. Beta



نمودار تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر باورپذیری مردم سالاری منبع: مؤلف

در نمودار تحلیل مسیر خطوطی که به صورت پرننگ نشان داده شده است، بیانگر ارتباط مستقیم متغیرهای مستقل با متغیر وابسته یعنی باورپذیری مردم سالاری و خطوط نقطه چین بیانگر ارتباط غیرمستقیم متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد. بنابراین متغیرهای ساخت خانواده، اعتماد اجتماعی، تقدیر گرایی و وسایل ارتباط جمعی به طور مستقیم بر متغیر باورپذیری مردم سالاری تأثیر می گذارند. همچنین متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر متغیرهای ساخت خانواده، تقدیر گرایی و وسایل ارتباط جمعی بر متغیر باورپذیری مردم سالاری تأثیر می گذارد. همچنین متغیر وسایل ارتباط جمعی علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیر مستقیم از طریق تأثیر بر متغیرهای اعتماد اجتماعی و تقدیر گرایی بر متغیر باورپذیری مردم سالاری تأثیر می گذارد. متغیر اعتماد اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیرهای ساخت خانواده و تقدیر گرایی به صورت غیر مستقیم بر باورپذیری مردم سالاری تأثیر می گذارد. می توان گفت متغیر ساخت خانواده دارای بیش ترین ارتباط و متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی دارای کم ترین ارتباط با متغیر وابسته یعنی باورپذیری مردم سالاری می باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر باورپذیری مردم سالاری بود. به طور کلی مجموعه دیدگاه‌های مردم سالاری را می‌توان شامل دو شاخه اصلی دانست:

- ۱- دیدگاه‌های مبتنی بر مردم سالاری به مثابه روش، یعنی تلقی دموکراسی به عنوان یکی از روش‌های حکومت و یکی از انواع ساختارهای نظام سیاسی
- ۲- دیدگاه‌های مبتنی بر مردم سالاری به مثابه ارزش یعنی تلقی مردم سالاری به عنوان ایدئولوژی و فلسفه‌ای برای زندگی.

در این پژوهش نوع دوم مردم سالاری یعنی مردم سالاری به مثابه ارزش و فلسفه‌ای برای زندگی مدنظر بوده است. بنا براین رویکرد می‌توان گفت جامعه دموکراتیک زاده انسان‌های دموکرات منش است.

بیش‌تر پژوهش‌هایی که در جامعه ما در رابطه با مردم سالاری صورت گرفته یا به صورت تئوریک بوده، که رابطه مردم سالاری و دین اسلام را مورد بررسی قرار داده و یا به طور کلی ساختار نظام سیاسی را مورد بررسی قرار داده اندودر این میان تحقیقاتی که مربوط به جنبه فرهنگی مردم سالاری (فرهنگ مردم سالاری) باشد، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و در حاشیه بوده است. لذا محقق در این پژوهش بر آن بود تا بر اهمیت این مسئله اجتماعی که تا کنون کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است، تأکید کند. سعی اولیه محقق بر این بوده است تا ابتدا با بررسی تعاریف، مفاهیم و معانی مردم سالاری، همچنین بررسی سیر تاریخی و استفاده از نظریات مختلفی که در مورد این مسئله وجود دارد با زوایای مختلف این پدیده اجتماعی آشنا شود، سپس با ارائه مدلی تلفیقی برای بررسی دقیق‌تر و جامعیت بخشیدن به عوامل مؤثر بر پدیده مورد بررسی به جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شد، که نتایج حاصل از آن در بحث تبیین فرضیات توضیح داده شد. لازم به ذکر است با توجه به این که جامعه آماری در ارتباط با قشر دانشجو می‌باشد در تعمیم نتایج به جمعیت عمومی باید احتیاط کرد.

راهکارها و پیشنهادات

به منظور کاربرد نتایج پژوهش برخی از راهکارها و پیشنهادات در دو بخش اجرایی و پژوهشی به شرح زیر ارائه خواهد شد.

پیشنهادات و راهکارهای اجرایی

- تجربه سیاسی حکومت‌های معاصر نشان می‌دهد که یکی از گزینه‌های مطمئن برای دستیابی به توسعه همه جانبه و تکریم حقوق اساسی شهروندان استقرار مردم سالاری در جامعه است. به طور خلاصه می‌توان گفت که مردم سالاری به معنی تجلی اراده و خواست مردم در گزینش حاکمان، تحدید قدرت و حفظ حقوق و آزادی‌های اولیه شهروندان با نظام فرهنگی و اعتقادی جامعه ما ناسازگار نیست. از این رو توصیه می‌شود تمام مسئولین حکومتی در راستای استقرار و تقویت فرهنگ مردم سالاری همراهی نمایند. همه نهادهای دولتی و غیر دولتی باید در راستای آموزش مردم سالاری به مردم و آگاه کردن آنها نسبت به حقوق و وظایف خود، گام بردارند.
- مسئولین حکومتی در بخش‌های مختلف جامعه در قبال مسئولیت‌های خود پاسخ‌گو باشند و همه در جهت برقراری و تقویت جامعه مدنی از طریق: ۱- تقویت و حمایت از نقش رسانه‌های همگانی در جامعه و مدارا با آنها از طرف حکومت ۲- جلب مشارکت سیاسی شهروندان در قالب تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های مدنی، ایجاد سازمان‌های غیر دولتی و حضور فعال در عرصه‌های سیاسی به ویژه انتخابات تلاش نمایند.
- یکی از شروط برقراری و دوام نظام‌های مردم سالار وجود شهروندان آگاه و برخوردار از سطح بالای بینش سیاسی و اجتماعی است، بدین منظور توصیه می‌شود:
الف) گسترش آموزش در همه سطوح به ویژه در رشته‌های علوم انسانی مورد تأکید قرار گیرد.
- ب) به نقش رسانه‌های ارتباط جمعی به عنوان مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای آگاهی بخش در جامعه به طور ویژه توجه گردد و به خصوص شکل‌گیری رسانه‌های

خصوصی و غیر دولتی تسهیل گردد.

- توصیه می‌شود با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه ما و در نظر گرفتن علائق و گرایشات مردم سالارانه مردم، همه اندیشمندان و صاحب‌نظران با سعه صدر و هم اندیشی در راستای ارائه یک طرح تئوریک و درعین حال قابل اجرا که در آن هم تمایلات دینی و هم تمایلات سیاسی مورد توجه و احترام قرار گیرند، تلاش کنند. بدون شک رسیدن به چنین آرمانی هم جایگاه دین در جامعه را اعتلا خواهد بخشید و هم به رشد و توسعه کشور که حفظ حقوق مردم رکن اصلی آن است کمک خواهد کرد.

- با توجه به این که بخش اعظم شخصیت فرد در خانواده و در دوران کودکی شکل می‌گیرد، می‌توان گفت خانواده از طریق فرایندی که غالباً پرورش اجتماعی خوانده می‌شود سهم به سزایی در پدید آوردن فضیلت مدنی و گرایشات دموکراتیک دارد. خانواده باید بستری برای فرزندان فراهم کند که هم الگوهای مسئولیت پذیری و هم آموزه‌های مناسب عدالت، رعایت حقوق دیگران، رعایت خیر عمومی و... با شخصیت اجتماعی آن‌ها آمیخته شود. همچنین خانواده باید با برانگیختن احساس تعلق در فرزندان زمینه مناسب برای همبستگی و احساس تعلقات گروهی را فراهم کند.

- بدون تردید آموزش رسمی در استقرار مردم سالاری هر جامعه‌ای نقش به سزایی دارد و راه مناسبی برای انتقال اصول اساسی مردم سالاری می‌باشد. بنابراین آموزش و پرورش از دوران ابتدایی تا دوران دانشگاه باید راه استقرار فرهنگ دموکراتیک را فراهم سازد و تکمیل کننده هم باشند و برنامه ریزان آموزشی باید به این امر مهم توجه نمایند. به عنوان مثال تحصیل در مدرسه موجب می‌گردد که کودکان از نظارت مستقیم والدین خارج و به اجتماع وسیع‌تری وارد شوند که دوستی، مفهوم‌های مشترکی از عدالت، مردم سالاری و... به آن وحدت بخشند. محیط‌هایی نظیر مدرسه و دانشگاه می‌توانند محل تبادل نظری باشند که در آن توانایی‌هایی رشد یابند که برای تبادل افراد به شهروندان مردم سالار شایسته اهمیت قاطع و حیاتی دارند. همچنین فضاهایی می‌تواند فراهم شود

که دربرگیرندهٔ مباحثه و سخنوری‌هایی باشد، که برای گفت و شنودهای دموکراتیک ضروری و مؤثرند .

- با توجه به این که میزان باورهای مردم سالار نسبت به جنسیت متفاوت است، به منظور عدالت و تساوی بین دو جنس توجه دست اندرکاران مسائل اجتماعی سیاسی و فرهنگی جهت بالابردن سطح آگاهی اجتماعی و آشنایی نسبت به حقوق و وظایف شهروندان، مشارکت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و آموزه‌های اجتماعی مناسب برای هردو جنس برای رفع موانعی که باعث ایجاد این فاصله شده است، ضروری است.

- به لحاظ ارتباط میزان آگاهی افراد از شاخص‌های مردم سالاری و باورهای مردم سالار، مشارکت آن‌ها در مسائل سیاسی اجتماعی اقتصادی و حضور افراد در عرصه‌های عمومی، لزوم توجه سازمانها و نهادهای اجتماعی، به جلب مشارکت فعال، پویا و مداوم افراد در در عرصه‌های عمومی از طریق فراهم نمودن شرایط و زمینه‌های لازم مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این رو مداخله دادن شهروندان در تصمیم‌گیری، ارزیابی و نظارت بر تصمیمات از طریق دریافت پیشنهادات، نظرات، انتقادات و مشارکت دادن شهروندان در ادارهٔ امور اجتماعی توسط سازمان‌هایی نظیر صدا و سیما، مدارس، دانشگاهها، مؤسسات محلی و غیر دولتی و جلب همکاری در اموری همانند سخنرانی‌ها، مجامع، انتخابات و... پیشنهاد می‌شود.

- وسایل ارتباط جمعی در ایجاد فرهنگ مردم سالار نقشی اساسی ایفا می‌کنند. اکثرگرایشات و نگرش‌های شهروندان در رابطه با مردم سالاری، در اطلاعات و تبیین‌هایی ریشه دارد که از رسانه‌های همگانی، به ویژه رادیو و تلویزیون دریافت می‌کنند. به این ترتیب سازماندهی و نظارت رسانه‌ها برای دموکراسی از مهم‌ترین موضوعات است. اکثر نظریه پردازان دموکراسی معتقدند که دموکراسی زمانی می‌تواند کامیاب شود که رسانه‌های همگانی واقعیت رویدادهای اصلی سیاسی اجتماعی... را آن گونه که هست، به شیوه‌ای منعکس کنند که هم برای مردم عادی قابل فهم باشد و هم

عرصه آزادی باشد برای برخورد آراء و نظریات و نقد سیاسی. سعی برنامه ریزان فرهنگی سیاسی و اجتماعی باید این باشد که مطالب روزنامه ها، برنامه های تلویزیونی و... در جهت آگاهی بخشی و انسجام اقشار مختلف جامعه و نهادینه شدن فرهنگ سیاسی مردم سالار باشد.

پیشنهادات و راهکارهای پژوهشی

- شناخت هرچه دقیق تر مفهوم مردم سالاری، به عنوان موضوعی در حوزه جامعه شناسی سیاسی می تواند به حل مشکلات ناشی از این مسئله اجتماعی - سیاسی - فرهنگی کمک شایانی کند.
- تهیه ابزارهای سنجش مناسب جهت مطالعه نگرش ها و باورهای اجتماعی فرهنگی مربوط به مردم سالاری:
- مردم سالاری مسئله ای چندبعدی و دارای بار مفهومی گسترده ای است، که جهت سنجش گرایشات و باورهای مربوط به این مفهوم باید ابزارهای مناسب طراحی گردد. لذا پیشنهاد می گردد متخصصین در این زمینه طیف هایی را برای سنجش این مفهوم تهیه نمایند، تا تحقیقات صورت گرفته و نتایج حاصل از آن از اعتبار لازم برخوردار شد. در غیر این صورت عدم اعتبار ابزار سنجش می تواند نتایج را مختل سازد.
- به منظور به دست آوردن نتایج معتبری که قابلیت تعمیم بیش تری داشته باشد، لازم است که تحقیقی در ابعاد وسیع تر در سطح کل جامعه صورت گیرد، تا نتایج تحقیق مربوط به قشر خاصی از جامعه نباشد و سیاست های اجتماعی فرهنگی سیاسی بتواند بقیه اقشار جامعه را مورد ملاحظه قرار دهد.
- برای اطمینان از پایایی ابزارها پیشنهاد می شود علاوه بر آلفای کرنباخ از باز آزمایی (test - retest reliability) استفاده شود.

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس
- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۸۰). جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: نقش ونگار
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). اختلاف غرب و جهان اسلام در چیست. ترجمه مهرداد میردامادی، مجله جامعه نو، سال دوم، شماره ۱۶
- ایچ لنساف، مایکل (۱۳۸۵). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی
- برناردی، برنوو (۱۳۸۲). مردم سالاری در تاریخ اندیشه غرب با متن‌هایی از آرنت، ارسطوو...، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی
- برومند، محمد تقی (۱۳۸۳). جامعه مدنی از دیدگاه مارکس: دولت حقوقی، جامعه مدنی و دموکراسی... تهران: بازی تیگر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه، نشر نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). گذار به دموکراسی، تهران: نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: نشر نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). نقش نخبگان در گذار به دموکراسی، مجله آیین، سال اول، شماره اول تیرماه
- پاتنام، رابرت و... (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه حسن پویان وافشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۳). دموکراسی کی می‌آید؟ مجله آئین، سال اول، شماره اول تیرماه
- حجاریان، سعید (۱۳۸۳). دموکراسی از کجا می‌آید؟ مجله آئین، سال اول، شماره اول تیرماه
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱). کندو کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی تزکریا، فرید (۱۳۸۴). آینده‌ی آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی، ترجمه حسین نوروزی، تهران: طرح نو

- ساجو، امین (۱۳۸۴). *جامعه مدنی در جهان اسلام*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزانه روز
- ساعی، علی (۱۳۸۱). *تحلیل آماری در علوم اجتماعی*، تهران: کیان مهر
- شارع پور، محمود (۱۳۸۲). *بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۳۶
- قاسمی، وحید (۱۳۸۴). *ضریب آلفای کرونباخ و ویژگی‌های آن با تأکید بر کاربرد در پژوهش‌های اجتماعی*، مجله پژوهشی علوم انسانی، جلد نوزدهم، شماره ۲
- قاسمی، وحید (۱۳۸۰). *گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان*، دانشگاه اصفهان
- کازنو، ژان (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰). *جهانی شدن فرهنگ و سیاست*، تهران: نشر قومس
- کتابی، محمود. گنجی، محمد. احمدی، یعقوب و معصومی، رضا (۱۳۸۳). *دین، سرمایه اجتماعی و توسعه*، مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره ۲
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- لیبست، سیمور ماتین (۱۳۸۳). *دایرة المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و فریبرز مجیدی، تهران: وزارت امر خارجه
- مانهایم، کارل (۱۳۸۵). *دموکراتیک شدن فرهنگ*، ترجمه پرویز اجالالی، تهران: نشر نی
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها، و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران*: مرکز پژوهش‌های بنیادین: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مکفرسون، کرافورد برو (۱۳۷۶). *زندگی و زمانه دموکراسی لیبرال*، ترجمه مسعود پدram، تهران: نشر نی
- میخائیل، باختین و یورگن، هابرماس (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*، امکانات دموکراتیک تهران: ترجمه منصور انصاری؟، نشر مرکز

- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). *جهانی شدن و آینده دموکراسی*، ترجمه کمال پولادی
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). *موج سوم دموکراسیدر پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات شهسا
- Movahed, Majeed (2002). **Islamic Resurgence and urban middle classes in Iran: A sociological study**. PhD thesis, Pan jab University, chandigarh, India.
- Altman. D and Perez linan (2002). **Assessing the Quality of democracy: freedom, competitiveness and participation in eighteen Latin American countries**. Vol 19, no2, and pp85-100.
- Feng, Yi (1999). **Democracy, Political stability and economic growth**. Cambridge University Press. Vol 27.no 391-394.
- Kurth ,Thomas(2005). **Ignoring History: US Democratization in the Muslim world** , foreign policy Research institute. Pp.305-322.
- Norris, Pipa (2002). **Democratic Phoenix Political Activism Worldwide**, New York: Cambridge University Press.
- Terik, Lavrence (2006). **Cultural challenges to democratization in Russia**, 8, foreign policy institu
- Tessler, Mark (2003). **Do Islamic orientations influence attitudes toward Democracy in the Arab world**, at:
www.worldvaluessurvey.org/upload/5tessislamdem-2.pdf